

## روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قرقیزستان؛ ایستایی و پایداری

(۱۳۷۱-۱۴۰۱)

سید محمدکاظم سجادیپور<sup>۱</sup>

حمید نجف نیا<sup>۲</sup>

### چکیده

موافقت نامه برقراری روابط رسمی دیپلماتیک میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قرقیزستان به عنوان یکی از پنج کشور منطقه آسیای میانه در سال ۱۳۷۱ امضا شد. این در حالی است که سی‌امین سالگرد آغاز روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری قرقیزستان در سال ۱۴۰۱ با پیچیده و متکثر شدن کنشگران در سطوح مختلف مقارن شده است. ارزیابی از روابط دو کشور ایران و قرقیزستان در طول این سی سال علی‌رغم فرصت تقویت همگرایی در ابعاد مختلف نشان از نوعی ایستایی و پایداری دارد. این پژوهش ضمن بررسی دستاوردها و ناکامی‌ها روابط جمهوری اسلامی ایران در قبال کشور قرقیزستان به این سؤال پاسخ می‌دهد که علل ایستایی و پایداری روابط ایران و قرقیزستان پس از سی سال را چگونه می‌توان ارزیابی نمود. در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که روابط دو کشور ایران و قرقیزستان علی‌رغم اشتراکات فراوان به خصوص در زمینه‌های فرهنگی و سیاسی؛ همواره با نوعی پایداری، ایستایی و عدم پویایی در ابعاد مختلف به دلایلی همچون عدم اولویت و تفاوت انگاره‌ها و فقدان راهبرد منسجم تقویت روابط در سطح دوجانبه، سیاست خارجی محتاطانه قرقیزستان در قبال تعامل با ایران و از سوی دیگر حضور قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و بین‌المللی رویرو بوده است. با وجود این، برای نیل به توسعه روابط دو کشور در ابعاد مختلف می‌توان گسترش همکاری‌ها در ابعاد اقتصادی را در کنار اولویت‌های فرهنگی و سیاسی در روابط با قرقیزستان در رقابت با سایر کنشگران در دستور کار جدی قرارداد. مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی است و از روش‌شناسی استنباطی جهت نیل به اهداف تحقیق استفاده شده است.

### واژگان کلیدی:

آسیای میانه؛ جمهوری قرقیزستان؛ سی سال روابط؛ پایداری و ایستایی.

درجه مقاله: علمی-پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

<sup>۱</sup> استاد تمام روابط بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای

## مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پنج کنشگر قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان در منطقه‌ای بسیار پراهمیت که به آن آسیای میانه<sup>۱</sup> می‌گویند؛ ایجاد گردید که توسط هالفورد مکیندر قلب زمین<sup>۲</sup> نامیده شد. چراکه این سرزمین به مثابه یک برج دیدبانی دست نیافتنی در قلب یک قلعه تسخیر نیافتنی در اعمال قدرت جهانی است. در این دوران یک بار دیگر اصطلاح «بازی بزرگ جدید» به منظور تشریح رقابت قدرت‌های بزرگ برای حضور در آسیای میانه و پر نمودن خلأ ناشی از فروپاشی شوروی احیا شد. به نحوی که برخی این منطقه را «صفحه شطرنج بزرگ»<sup>۳</sup> نام نهاده‌اند. (Alice Rasizad, 2002:48)

این اهمیت ژئوپولیتیک و راهبردی منطقه آسیای میانه باعث گردید که ایران جزء نخستین کشورهایی باشد که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استقلال کشورهای آسیای میانه را به رسمیت بشناسد. استقلال جمهوری قرقیزستان<sup>۴</sup> نیز در آذر ۱۳۷۰ به رسمیت شناخته شد و روابط رسمی دیپلماتیک از اردیبهشت سال ۱۳۷۱ آغاز گردید. در طول روابط مشترک ایران و قرقیزستان پس از استقلال و حاکمیت ملی این کشور، ۵۶ توافق نامه بین دولتی و ۴۸ یادداشت تفاهم در زمینه‌های مختلف میان دو طرف به امضا رسیده است. (مصاحبه سفیر قرقیزستان، فارس: ۱۳۹۸). همچنین جمهوری اسلامی ایران و قرقیزستان در چندین سازمان بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله سازمان همکاری اقتصادی اکو<sup>۵</sup>، سازمان همکاری شانگهای<sup>۶</sup>، سازمان همکاری‌های اسلامی<sup>۷</sup> و اتحادیه اقتصادی اوراسیا<sup>۸</sup> عضویت دارند.

در این راستا بر مبنای اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال آسیای میانه و توافق نامه‌ها و یادداشت تفاهم همکاری‌های دوجانبه و همچنین برنامه همکاری بلندمدت ده‌ساله میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قرقیزستان (۱۳۹۵-۱۴۰۵) محورهای همچون ارتقای روابط دو کشور در زمینه‌های مختلف به خصوص در زمینه

---

1. Central Asia

2. Heart Land

3. Grand Chess Board

4. kyrgyz Republic

5. Economic Cooperation

6. Shanghai Cooperation Organisation

7. Organisation of Islamic Cooperation

8. Eurasian Economic Unio (EAEU)

اقتصادی، افزایش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و بهبود شرایط در زمینه روابط کنسولی دو کشور به‌عنوان اهداف کلان در روابط دوجانبه قابل دسته‌بندی است. در این پژوهش در ابتدا روابط دو کشور در سطوح متفاوت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ارزیابی می‌گردد و نشان داده می‌شود که سطح روابط دو کشور در ابعاد مختلف بعد از سی سال در شرایط ایستایی و پایداری قرار دارد و ظرفیت‌های روابط دو کشور نسبت به این حجم از توافقات در زمینه‌های مختلف گسترش پیدا نکرده است. سپس در سه سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی به علل و دلایل ایستایی و پایداری روابط می‌پردازد. به عبارت دیگر تفاوت انتظارات و انگاره‌های دو کشور در سطح دوجانبه، رقابت ترکیه و عربستان سعودی و حتی قطر با ایران در سطح منطقه‌ای و حضور سه کنشگر ایالات متحده، روسیه و چین به‌عنوان عوامل محدودیت‌زا در گسترش روابط و ایستایی شرایط مطرح می‌گردد. شایان ذکر است برخی از مندرجات لحاظ شده در این پژوهش حاصل تجربیات میدانی دیپلماتیک در کشور قرقیزستان است.

### اهمیت روابط دو کشور ایران و قرقیزستان

آسیای میانه به لحاظ موقعیت ژئوپولوتیکی و اهمیت روزافزون انرژی در جهان مدرن و صنعتی و مسیر تاریخی جاده ابریشم که کریدوری با کارکردهای چندگانه است و همچنین وجود فارسی‌زبانان و مسلمانان در این منطقه و دور زدن تحریم‌های ایالت متحده امریکا برای جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت مضاعف است. لذا روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری قرقیزستان با توجه به وجوه اشتراکات تاریخی- از جمله قرار گرفتن این کشور در حوزه تمدنی ایران و مسیر جاده ابریشم-، سیاسی، فرهنگی و مذهبی دارای اهمیت فراوانی است. (ده سال روابط ایران و قرقیزستان، ۱۳۸۳: ۲۰)

در این راستا منابع آبی و همسایگی قرقیزستان با چین موقعیت ژئوپولیتیک مهمی را به این کشور بخشیده است. اهمیت ترانزیتی قرقیزستان برای انتقال کالاهای تجاری ایران به شرق روسیه، بازار گسترده غرب چین، بازار کوچک اما تشنه داخلی این کشور و قوانین مساعد سرمایه‌گذاری آن، ضرورت توجه شایسته سیاست خارجی ایران به قرقیزستان را ایجاب می‌کند. همچنین ایران برای قرقیزستان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از یک سو ایران به‌عنوان یکی از مسیرهای اصلی ترانزیتی قرقیزستان برای خروج از محاط خشکی و رسیدن به آب‌های آزاد است. از سوی دیگر ایران برای این کشور در گروه قدرت‌های متوسط نوظهور با

رویکرد ضد هژمونیک قرار می‌گیرد و قرقیزستان می‌تواند در ائتلاف و اتحاد با ایران در بسیاری از حوزه‌ها حضور مؤثرتر داشته و منافع ملی خویش را از مزایای آن بهره‌مند سازد. لذا همکاری‌های منطقه‌ای دو کشور با توجه به عضویت مشترک در سازمان‌هایی نظیر اکو، سازمان همکاری اسلامی، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از اهمیت بسزایی برخوردار است. همچنین جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت‌های خود می‌تواند برخی کشورها در عرصه بین‌المللی را به خود متمایل سازد و در تدوین دستور کارهای جهانی ایفای نقش نماید؛ بنابراین ارائه مساعدت‌ها و حمایت‌های طرفین از یکدیگر در مجامع و محافل بین‌المللی و در رأی‌گیری‌های مهم نظیر قطعنامه حقوق بشر بوده است.

قرقیزستان طی سال‌های اخیر با دادن رأی منفی به قطعنامه‌های صادره علیه کشورمان در جهت منافع جمهوری اسلامی ایران گام برداشته است. جمهوری اسلامی ایران نیز متقابلاً با حمایت از درخواست‌های قرقیزستان در مجامع بین‌المللی به این حسن نیت قرقیزستان پاسخ مثبت داده است. (باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۱۲۰) لذا تقویت روابط دو کشور در ابعاد مختلف می‌تواند ظرفیت‌های دو کشور را شکوفا نماید.

به‌طور کلی اراده اعلامی ایران در رابطه با قرقیزستان بر توسعه همکاری‌های در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی، علمی و گسترش همکاری‌های فی‌مابین در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. قرار گرفتن قرقیزستان در جرگه کشورهای مسلمان موجب گردیده است تا روابط با این کشور در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت خاصی برخوردار باشد (شعیب بهمن، ۱۳۸۶). جمهوری اسلامی ایران برای اتخاذ سیاست خارجی صحیح در قبال قرقیزستان به‌عنوان یکی از کشورهای آسیای میانه در وهله نخست مستلزم شناسایی آسیب‌ها و موانع است و در مراحل بعدی نیازمند درک و شناخت صحیح و علمی درباره این کشور و همچنین شناسایی تمام فرآیندها، تلاش‌ها، تحولات و روندهایی است که در ابعاد مختلف چه از سوی نیروهای داخلی این کشور و چه از سوی کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

### ابعاد سی سال روابط

قرقیزستان تا زمان پیروزی کمونیست‌ها در شوروی سابق بخشی از ترکستان روسیه تزاری بود و پس‌از آن به‌عنوان یکی از جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی معرفی شد. پس از استقلال قرقیزستان در سال ۱۳۷۰ عسگر آقایف، رهبر حزب کمونیست این کشور، قدرت را

به دست گرفت. روابط ایران و قرقیزستان به صورت رسمی از سال ۱۳۷۱ آغاز و تاکنون نیز بعد از سی سال ادامه داشته است. در ادامه روابط دو کشور در سطوح سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**روابط سیاسی:** نخستین ارتباط سیاسی قرقیزستان با جمهوری اسلامی ایران، سفر وزیر امور خارجه آن کشور به ایران در سال ۱۳۷۰ و به مناسبت سالگرد رحلت امام خمینی (ره) بود. در همان سال ولایتی به عنوان وزیر امور خارجه ایران از قرقیزستان دیدن کرد و ضمن ملاقات با مقامات قرقیزی، تفاهم‌نامه‌ای را به امضا رساند. سپس در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۱، موافقت‌نامه برقراری روابط بین دو کشور به امضای معاونین وزرای خارجه دو کشور رسید. بر این اساس در مهرماه ۱۳۷۱، سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیشکک فعالیت خود را آغاز کرد (منطقه خزر در مرحله معاصر ۱۳۷۵: ۴۲۸).

بدین ترتیب جمهوری اسلامی پس از اعلام استقلال جمهوری قرقیزستان جز اولین کشورهایی بود که استقلال این کشور را به رسمیت شناخت. در این بین مباحثی نظیر حمایت جمهوری اسلامی ایران از پیشنهاد قرقیزستان برای اعلام سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) به عنوان سال کوهستان و در مقابل حمایت قرقیزستان از عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی<sup>۱</sup> و مخالفت با تصویب قطعنامه حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به عنوان نمادهایی از حسن روابط دو کشور قلمداد نمود. (کتاب سبز قرقیزستان، ۱۳۸۷: ۱۶۹)

روابط ایران و قرقیزستان در زمان حکومت آقای عسگر آقایف<sup>۲</sup>، اولین رئیس جمهور این کشور پس از استقلال، دوستانه و در حال توسعه بود. پس از به قدرت رسیدن قربان بیک باقی اف، در جریان انقلاب لاله ای در سال ۲۰۰۵، روابط دو کشور از نظر سیاسی تا حدودی تنزل پیدا کرد. متعاقب سقوط دولت باقی اف<sup>۳</sup>، ایران از دولت موقت به ریاست خانم آتونبایوفا<sup>۴</sup>، با ارسال کمک‌های انسان دوستانه حمایت نمود. با این حال در دوره انتقال قدرت، برخی محدودیت‌ها بر روابط و اتباع ایرانی به ویژه تجار اعمال شد. با آغاز ریاست جمهوری آقای آتامبایف<sup>۵</sup> در سال ۲۰۱۱، بخش عمده محدودیت اعمال شده، مرتفع و روابط دو کشور به ویژه در بخش سیاسی توسعه خوبی یافت. به نحوی که در سال ۱۳۹۴ پیرو سفر آتامبایف به ایران

<sup>1</sup>. The World Trade Organization

<sup>2</sup>. Askar Akayev

<sup>3</sup>. Kurmanbek Bakiyev

<sup>4</sup>. Roza Otunbayeva

<sup>5</sup>. Almazbek Atambayev

هشت سند همکاری بین دو کشور به امضاء رسید. همچنین در سفر روحانی رئیس جمهور یازدهم جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵، هفت سند همکاری بین دو کشور به امضا رسید. در مهرماه ۱۳۹۶ انتخابات ریاست جمهوری در قرقیزستان برگزار و آقای سورنبای جئین بکوف به عنوان رئیس جمهور قرقیزستان انتخاب شد. در این دوران نیز روابط سیاسی در همان سطح دوره آتامبایف باقی ماند. با این حال انتخابات پارلمانی ۴ اکتبر سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) نقطه عطف جدیدی در تحولات قرقیزستان بود. چراکه قرقیزستان بعد از این انتخابات با ناآرامی و تنش روبرو گردید و در نهایت نتایج انتخابات پارلمانی لغو، دولت منحل و جئین بکوف استعفا داد. در حال حاضر نیز با برگزاری همه پرسی اصلاح قانون اساسی و انتخاب سادیر جباروف<sup>۱</sup> به عنوان رئیس جمهور جدید قرقیزستان گام دیگری را در تثبیت شرایط پس از بی‌ثباتی‌ها طی می‌کند. ( 2021,30 непростых лет независимости Кыргызстана

به هر حال تغییر و تحولات سیاسی در قرقیزستان و اولویت قرار گرفتن همسایگان در سیاست خارجی جدید ایران شرایط جدیدی را در روابط دو کشور ایجاد کرده است. اگرچه سیاست ایران نسبت به قرقیزستان، بخشی از راهبرد کلان‌تر ایران در منطقه آسیای میانه است که به منظور خنثی‌سازی تلاش‌های امریکا برای تحریم اقتصادی و سیاسی ایران در منطقه اجرا می‌شود و همچنان به عنوان اولویت قرار ندارد. از سوی دیگر قرقیزستان نیز همواره با بی‌ثباتی‌های سیاسی نتوانسته است شرایط را برای تحکیم روابط در حوزه سیاسی ایجاد کند. این شرایط باعث شده است که روابط سیاسی دو کشور علی‌رغم ظرفیت‌های مناسب در سطح ایستا و پایدار قرار گرفته باشد.

**روابط فرهنگی:** قرقیزستان در میان کشورهای منطقه آسیای میانه تنها کشوری است که دارای یک دموکراسی نسبی است و به همان نسبت از یک فضای مناسب فرهنگی در مقایسه با همسایگان خود برخوردار است. علاوه بر این موضوع در زمینه فرهنگی مناسبات دوستانه دو ملت ایران و قرقیزستان، دارای سابقه دیرینه و اشتراکات تاریخی و زبانی نیز می‌باشند. به عنوان نمونه در حالی که منابع موجود زبان فارسی در قرقیزستان نشان می‌دهد که در گذشته‌های بسیار دور زبان فارسی یکی از زبان‌های فرهنگی و علمی مورد استفاده مردم قرقیزستان بوده است؛ با این حال در حال حاضر به آن‌ها اهمیت چندانی داده نمی‌شود.

<sup>۱</sup>. Sadyr Japarov

روابط فرهنگی دو کشور در سال ۱۳۷۱ آغاز شد و بیشتر در راستای تلاش جهت آشنایی با امکانات یکدیگر و ارائه پیشنهادها همکاری بوده است. نماد مناسبات دو کشور در اساطیر قرقیزی و فارسی‌زبان بودن «همسر مناس» شخصیت اسطوره‌ای این کشور و سابقه دو ملت در مسیر جاده ابریشم متجلی است (راهنمای منطقه خزر: ۴۳۰). اولین موافقت‌نامه فرهنگی میان دو کشور در سال ۱۳۷۲ به امضاء رسیده است که در این زمینه‌های همکاری مانند بخش‌های علمی و دانشگاهی، مذهبی، صدا و سیما و مطبوعات پیش‌بینی شده است. از این‌رو عمده فعالیت‌های فرهنگی بین دو و در قالب این موافقت‌نامه پیگیری شده است. علاوه بر این تاکنون قراردادهای اسناد فرهنگی گوناگونی میان دو کشور به امضاء رسیده است.

در مجموع با توجه به شرایط سیاسی قرقیزستان و وجود فضای باز سیاسی - فرهنگی بیشتر نسبت به دیگر کشورهای آسیای میانه، فعالیت‌های فرهنگی ایران در این کشور از شرایط مساعدتری برخوردار بوده و یکی از شاخص‌های مهم روابط در سال‌های اخیر، گسترش روابط فرهنگی بوده است. چراکه اگرچه قرقیزستان از نظر فرهنگی بیشتر به جهان ترک گرایش دارد، تجربه نشان می‌دهد که ارزش‌های فرهنگی ایران نیز در میان جمعیت جمهوری قرقیزستان مورد حمایت قرار می‌گیرد. (Garbuzarova, 22: 2020) با وجود این، علی‌رغم ظرفیت‌های فرهنگی میان دو کشور اما روابط در این زمینه نیز با پایداری و ایستایی و توقف در سطح امضای توافق‌نامه‌های فرهنگی میان دولت‌ها باقی مانده و به سطح روابط عمیق مردم دو کشور نرسیده است.

**روابط اقتصادی:** قرقیزستان دارای اقتصادی ضعیف متکی بر کشاورزی و دامپروری است. این کشور همچنین صادرکننده نیروی کار است و نزدیک به یک میلیون نفر از جمعیت ۶ میلیونی این کشور در جستجوی کار در خارج از کشور (عمدتاً روسیه و قزاقستان) به سر می‌برند. قرقیزستان از سپتامبر ۲۰۱۵ (شهریورماه ۱۳۹۴) به عضویت اتحادیه اقتصادی و گمرکی اوراسیا نیز درآمده است. هم‌اکنون تعاملات محدود دوجانبه اقتصادی بین دو کشور در زمینه گردشگری، صنعتی، فنی و مهندسی استاندارد کالا، توسعه روابط بانکی، موافقت‌نامه برای احداث مرکز تجاری ایران در بیشکک برقرار است.

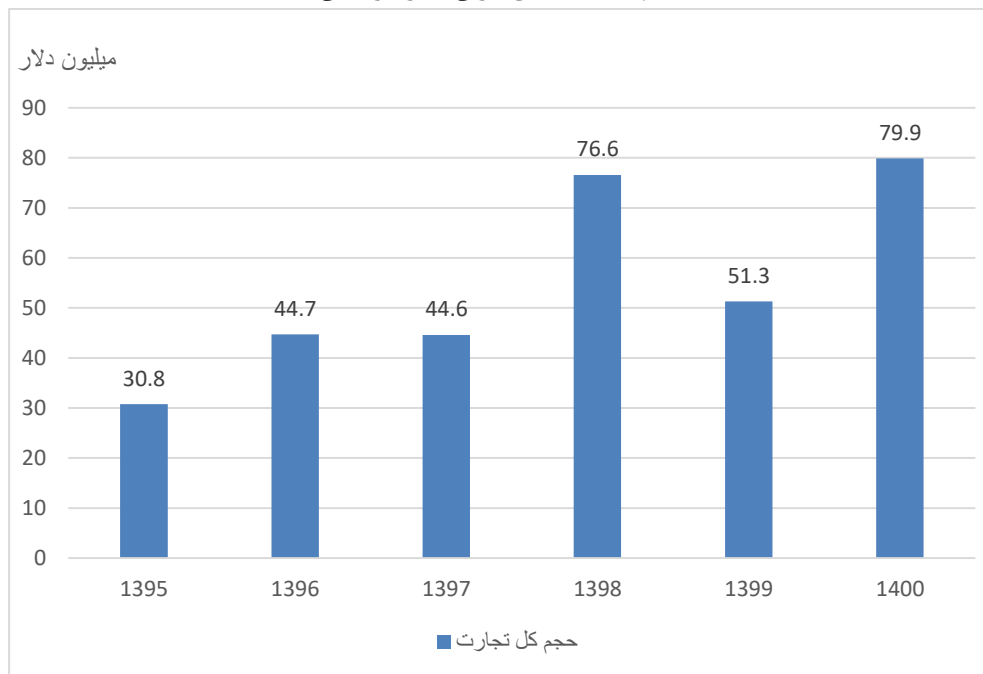
برای تقویت روابط اقتصادی، کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی - بازرگانی دو کشور از سال ۱۳۷۵ آغاز گردید. در این بستر تاکنون ۱۲ اجلاس کمیسیون مشترک در بیشکک و تهران در سال‌های مختلف برگزار شد و نتیجه آن امضاء موافقت‌نامه‌های و یادداشت تفاهم‌هایی در ابعاد اقتصادی، صنعتی، سرمایه‌گذاری، بانکداری، حمل‌ونقل،

ارتباطات، علمی و فرهنگی بود. از زمان برگزاری اولین اجلاس کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور تا دوازدهمین کمیسیون مشترک که در آذر ۱۳۹۸ در تهران برگزار گردیده است، اقداماتی از قبیل شناسایی بازار قرقیزستان و بسترسازی برای صدور کالاهای ایرانی به آن کشور از طریق حمایت و تقویت بخش خصوصی و تأسیس خانه تجارت، اعلام به موقع مناقصات خدمات فنی و مهندسی از سوی دو کشور و نیز اعلام آمادگی طرف ایرانی جهت همکاری فنی - مهندسی در زمینه‌های مختلف، تسهیل و مهیا نمودن زمینه ترانزیت کالا، تجار و مسافران هر دو کشور، برگزاری دوره‌های آموزشی بانکداری، مدیریت، افتتاح پرواز چارتر مشهد- بیشکک، برگزاری نمایشگاه‌های اختصاصی و ایجاد مرکز تجاری ایران در قرقیزستان اشاره نمود. (سازمان توسعه تجارت ایران: ۱۳۸۹) این اقدامات می‌تواند به عنوان چارچوب زیرساختی برای گسترش روابط در حوزه اقتصادی میان دو کشور در نظر قرار گیرد.

پس از خروج ایالات متحده از برجام در سال ۱۳۹۷ تاکنون سطح روابط اقتصادی و تجاری بین دو کشور به غیر از دو مسئله ابراز تردید مقامات قرقیزی در امضای قرارداد بانکی و نیز مطرح نمودن کمک توسعه‌ای جدید در زمینه بهداشتی تغییر جدی نکرده است. بر اساس آمار گمرک ایران در سال ۱۴۰۰، صادرات ایران به قرقیزستان، به‌عنوان چهارمین شریک تجاری ایران در اتحادیه اوراسیا، حدود ۷۹ میلیون دلار بوده که سهم حدود ۷.۱ درصدی از ارزش کل صادرات ایران به اوراسیا را شامل می‌شود. تراز تجاری ایران با این کشور نیز طی مدت مذکور ۳۸ میلیون دلار افزایش یافته و به حدود ۶۰ میلیون رسیده است. طبق اعلام گمرک جمهوری اسلامی ایران، حجم مبادلات کالا بین دو کشور در سال‌های ۱۳۹۵-۱۴۰۰ به شرح ذیل می‌باشد:



جدول شماره (۱): حجم روابط تجاری ایران با قرقیزستان (۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰)



منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران

به هر حال نگاهی اجمالی به روابط اقتصادی ایران و قرقیزستان در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که حجم مبادلات تجاری دو کشور نیز علی‌رغم ظرفیت‌های بالقوه روند تقریباً ثابتی را طی نموده است؛ بنابراین اگرچه آمارهای رسمی میزان کمی از افزایش حجم روابط اقتصادی میان دو کشور حتی در سال‌های بعد از خروج ایالات متحده از برجام را نشان می‌دهد اما به غیر از موانع در سطوح کلی‌تر برخی موانع اقتصادی نیز همچون فقدان مسیرهای ارتباطی باری و مسافری کافی، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی ضد صادراتی و نبود خط‌مشی باثبات در زمینه صادرات کالاها، نبود ثبات در نرخ ارز، نبود مبادلات مالی و بانکی، عدم حمایت دولت از فعالین اقتصادی بخش خصوصی، عدم شناخت شرکت‌های ایرانی از بازار قرقیزستان و عدم نظارت کیفی بر محصولات صادراتی باعث از دست رفتن بازار فروش در این کشور گردیده است. (ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها؛ ۱۴۰۰) البته بخشی از افزایش حجم روابط در سال ۱۴۰۰ نیز ناشی از افزایش قیمت‌ها و تورم بوده و صرفاً مربوط به افزایش حجم کالا و روابط اقتصادی نیست. در مجموع روابط اقتصادی ایران و قرقیزستان در

سال‌های اخیر به صورت اسمی افزایش محدودی یافته است اما نسبت به ظرفیت‌های دو کشور در زمینه‌های اقتصادی با ضعف جدی روبرو است.

### علل ایستایی و پایداری روابط ایران و قرقیزستان

جمهوری اسلامی ایران و قرقیزستان با توجه تحولات داخلی اخیر در دو کشور و زمینه‌های همکاری مشترک فراوان تاریخی و فرهنگی و اقتصادی فرصت مناسبی را در اختیار دارند تا با توجه به شرایط جدید روابط دو کشور را در سطوح مختلف گسترش دهند. با این حال همان طور که ملاحظه شد؛ ارزیابی از روابط دو کشور در سطوح مختلف در سی سال اخیر نشان از نوعی از عدم تحرک و ایستایی و پایداری در سطح معین دارد. ایستایی و پایداری روابط دو کشور به معنای حرکت آهسته در یک سطح معین و عدم توسعه کمی و کیفی به خصوص در زمینه‌های اقتصادی است که در ادامه به دلایل آن در سه سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته می‌شود.

**تفاوت انگاره‌های دوجانبه:** بر اساس نظر سازه‌انگاری، فهم مشترک بازیگران از یکدیگر و ایجاد هویت سازنده به عنوان یک هنجار بین‌المللی مشترک، زمینه‌ساز عدم تهدید و تقویت همکاری می‌شود. به هر میزان فهم مشترک بازیگران از یکدیگر نزدیک‌تر باشد، اعتماد افزایش یافته و از خودمحوری فاصله می‌گیرد و موجب امنیت و افزایش همکاری می‌شود (Zehfuss, 2002 Maja). با این حال باید اذعان کرد که ایران در منطقه آسیای میانه به خصوص در مورد قرقیزستان هیچ نوع اولویت کاملاً تعریف شده‌ای ندارد و روابط ایران با کشورهای آسیای میانه در نوعی «خلأ» رها شده است (Варганян А.М., 2007). این عوامل باعث گردیده است تا فهم و هویت مشترک میان دو کشور و به تبع آن تقویت همکاری رخ ندهد.

البته ایران همواره درباره اهمیت این کشورها از جمله قرقیزستان برای سیاست منطقه‌ای الفاظ قاطعانه‌ای استفاده می‌کند؛ اما هنوز نمی‌توان ادعای استقرار یک رابطه ثابت و پایدار و رشد یابنده کرد. چراکه نگاه به این کشور فاقد پشتوانه جمعی و وفاق ملی است. (باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۱۵۰) در واقع علاوه بر اولویت نبودن قرقیزستان در سیاست خارجی برخی از موانع ساختاری و غیر ساختاری نیز روابط دو کشور به خصوص در زمینه‌های اقتصادی را در وضعیت ایستا قرار داده است.

به عبارت دیگر انتظارات ایران در روابط با قرقیزستان با انگاره‌ای با عنوان «وجهه یا اعتبار»<sup>۱</sup> قابل ارزیابی است و سرمایه‌گذاری بر توسعه روابط به صورت محسوس در همه ابعاد نمی‌گردد. انتظار ایران حفظ روابط باثبات سیاسی در سطح رسمی و کسب حمایت در سازمان‌های بین‌المللی در موضوعات موردعلاقه است. حمایت ایران و قرقیزستان از یکدیگر در سازمان‌های بین‌المللی در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

از سوی دیگر سیاست خارجی قرقیزستان در قبال ایران با توجه به ویژگی‌های ساختاری و کوچکی این کشور نوعی از سیاست خارجی محتاطانه برای افزایش حداکثری منافع از طریق موازنه با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دیده می‌شود. این رویکرد در سند سیاست خارجی جمهوری قرقیزستان که در سال ۲۰۱۹ منتشر گردید نیز به وضوح مشاهده می‌گردد. در این سند به صراحت بیان شده است که سیاست خارجی قرقیزستان یک سیاست خارجی عمل‌گرا، متعادل، باز، چندوجهی و سازگار با شرایط است. این سیاست خارجی عمل‌گرا معطوف بر ایجاد یک محیط خارجی مطلوب و فرصت‌هایی برای دستیابی به اهداف استراتژیک توسعه کشور تمرکز دارد. در این راستا جمهوری قرقیزستان در تعامل خود با شرکای خارجی، با توجه به منافع ملی، از تعادل منطقی پیروی می‌کند و به طور مداوم حق مسلم خود به توسعه را پیگیری می‌نماید. (КОНЦЕПЦИЯ внешней политики Кыргызской Республики, 2019).

همچنین با توجه به تحولات اخیر در جمهوری قرقیزستان تنها ملاحظه جدی دولت جدید در قرقیزستان مسائل کارکردی و خروج از بن‌بست اقتصادی و اجتماعی ناشی از ناآرامی‌ها و شیوع بیماری کرونا است. از این منظر، سیاست خارجی پویا و فعال نقطه مکمل سیاست‌گذاری‌های داخلی برای این کشور محسوب می‌شود. «سادی‌ر جباروف» در ماه فوریه اولین گام جدی خود برای شکل‌دهی به سیاست خارجی جدید قرقیزستان را برداشت. سنگ بنای این مناسبات با محوریت مسکو آغاز شد و به جهت‌های متنوع دیگر در حال پیش‌روی است. (Кыргызская Республика: партнерство, сотрудничество, 2020, развитие)

با این حال حفظ اصول چندجانبه‌گرایی و رعایت موازنه در سیاست خارجی، نشان‌گر ادامه روندهای قبلی در سیاست خارجی قرقیزستان خواهد بود. به همین دلیل است که دولت‌های قرقیزستان در طول سال‌های بعد از استقلال بیشتر به دنبال جذب سرمایه و کمک‌های بلاعوض از جمله ایران است.

<sup>۱</sup>. prestige

لذا می‌توان گفت انگاره اصلی قرقیزستان در روابط با ایران کسب حمایت‌های اقتصادی و سیاسی به صورت کمک‌های توسعه‌ای است. در این راستا برخی کمک‌های بلاعوض و توسعه‌ای ایران به قرقیزستان از جمله ساخت ورزشگاه دوستی در شهر اوش قرقیزستان در سال ۱۳۹۸، کمک‌های پزشکی در دوران کرونا و احداث یک مجتمع آموزشی (مدرسه) در شهر چولپان آتا در استان ایسیک-کول از طریق کمک‌های بلاعوض جمهوری اسلامی ایران به نوعی پاسخ به این انگاره مقامات قرقیزی از روابط با ایران بود. بنابراین تفاوت انگاره‌های ایران و قرقیزستان از کسب وجهه تا دریافت کمک‌های بلاعوض توسعه‌ای را می‌توان یکی از دلایل مهم ایستایی و پایداری روابط دانست.

**رقابت‌های منطقه‌ای:** رقابت‌های منطقه‌ای میان ایران و سایر کنشگران منطقه‌ای در حوزه آسیای میانه و از جمله قرقیزستان از دیگر موانع توسعه روابط دو کشور است. اگرچه حضور کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی و قطر در جمهوری‌های آسیای میانه مانند ترکیه از سرعت چندانی برخوردار نبوده است. با این حال در سال‌های اخیر کشورهای عربی به‌ویژه عربستان و قطر در این منطقه به شدت فعال شده‌اند. ارائه انواع کمک‌ها توسط این کشورها در اشکال مختلفی همچون کمک‌های توسعه‌ای و انسان‌دوستانه، سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها، ساخت مدارس و اعزام گردشگر به منطقه به کار گرفته می‌شود. به گونه‌ای که در حال حاضر عربستان سعودی شریک اقتصادی مناسبی برای قرقیزستان به شمار می‌رود. (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۱۶)

ترکیه و عربستان سعودی راهبردهای مختلفی را در قبال کشورهای آسیای میانه از جمله قرقیزستان در پیش گرفته‌اند. ترکیه با استفاده از اهرم نژاد و زبان و مشترکات فرهنگی نفوذ خود را گسترش داده‌اند. در مقابل سعودی‌ها به دو ابزار پول و ایدئولوژی مجهز بودند. هزینه‌های هنگفتی که عربستان در جهت توزیع منابع دینی به‌ویژه قرآن کریم و بازسازی و ساخت مساجد و مدارس دینی به عهده گرفت، فرصتی بود که در ذیل آن می‌توانست ایدئولوژی وهابیت را نشر دهد (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۱۹).

به‌هرحال هرگونه گسترش همکاری ایران با قرقیزستان در سطوح مختلف با موانع جدی در سطح منطقه‌ای با توجه به حضور گسترده کشورهای رقیب عربی و همچنین ترکیه روبرو است. عربستان سعودی، به عنوان عاملی بازدارنده ایران در قرقیزستان در جهت توسعه روابط به شمار می‌رود. چراکه تقویت همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور قرقیزستان و عربستان و همچنین حمایت عربستان از گروه‌های افراطی و گسترش وهابیت محدودیت و تنگناهایی در مسیر فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف به وجود آورده است. (Khatlan Saleh, 1999)

با این حال باید گفت که رقابت عربستان سعودی با ایران در قرقیزستان بیشتر در حوزه های فرهنگی است که در ادامه به حوزه های اقتصادی نیز تسری پیدا کرده است. در این میان قرقیزستان سعی دارد از طریق اتخاذ سیاست خارجی چندوجهی و موازنه با استفاده از رقابت ایران و عربستان در این کشور بیشترین منافع به خصوص اختصاص کمک های اقتصادی و بلاعوض را جذب نماید.

ترکیه کنشگر منطقه ای مهم دیگر در تلاش است با استفاده از اهرم های اقتصادی و فرهنگی و زبانی به خصوص استفاده از مکانیسم سازمان کشورهای ترک زبان<sup>۱</sup> نفوذ منطقه ای ایران از جمله در قرقیزستان را کاهش دهد. ترکیه با استفاده از چندین نهاد و سمن<sup>۲</sup> خصوصی و نیز دولتی توانسته است با کشورهای منطقه ی آسیای میانه ارتباط بسیار نزدیکی برقرار کند (نصرالدین اف، ۲۰۱۴: ۲۵۰). مجموع حجم تجاری ایران در مقایسه با حجم تجاری این کشورها با ترکیه چه در قالب سازمان کشورهای ترک زبان و چه به صورت دوجانبه بسیار کمتر است .

حجم روابط تجاری ترکیه با قرقیزستان در سال ۲۰۲۱ بیش از ۸۳۵ میلیون دلار بوده است که از این میزان بیش از ۷۴۹ میلیون دلار سهم صادرات ترکیه به قرقیزستان است ( Organization of Turkic States, Trade and Economic Cooperation, 2021). همچنین دو طرف چشم انداز روابط تجاری یک میلیارد دلار در سال را در دستور کار قرار داده اند. این حجم از آمارهای اقتصادی و فعالیت های ترکیه در قرقیزستان نشان از این دارد که ترکیه به راحتی با سیاست ها و ابزارهایی که در دست دارد دامنه ی نفوذ جمهوری اسلامی ایران را در قرقیزستان به خصوص در زمینه های اقتصادی محدود کرده است. ترکیه با استفاده از اهرم های بالقوه نفوذ، سعی دارد که گستره فعالیت های اقتصادی با قرقیزستان را افزایش دهد. با این حال، قرقیزستان نیز سعی دارد از ترکیه کمک مالی دریافت کند. (مرجانی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۱)

از سوی دیگر قرقیزستان نیز سعی می کند از طریق سیاست موازنه مثبت و استفاده از نوعی سیاست موازنه در میان قدرت های منطقه ای ضمن همکاری و تشویق این کشورها به تقویت روابط، از رقابت قدرت های منطقه ای برای اهرم فشار بر روی سایر رقبای حفظ موازنه استفاده کند. به عبارت دیگر مقامات قرقیزی از رقابت ایران، عربستان و ترکیه در قرقیزستان برای کسب منافع بیشتر استفاده می نماید.

<sup>۱</sup>. Organization of Turkic States

<sup>۲</sup>. NGO

واقعیت‌های ژئوپلیتیکی بیانگر آن است که آسیای میانه با توجه به شرایط جدید و در حال گذار منطقه‌ای و بین‌المللی باید تبدیل به یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گردد. بر این اساس اگر ایران خواهان ایفای نقش مؤثر و کارآمدتری در آسیای میانه است نیازمند آن است که اهداف سیاست خارجی خود را نیز در این چارچوب تدوین و اولویت بندی نماید. در واقع نادیده گرفتن یک کشور و یا توجه بیشتر به کشور دیگری می‌تواند جایگاه ایران را در منطقه آسیای میانه خدشه دار سازد. از این رو جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد با اتخاذ سیاست چندجانبه‌گرایی، به تمام کشورهای منطقه، توجه متوازنی نماید.

در حال حاضر می‌توان بررسی افزایش پایه‌های همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در آسیای میانه با کشور قرقیزستان را در سازمان همکاری اقتصادی اکو، سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، حمایت از طرح قرقیزستان در پروژه ریلی ۵ جانبه (چین، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و ایران) را در دستور کار همکاری‌های منطقه‌ای قرارداد.

**متغیرهای بین‌المللی:** کنشگران روابط بین‌الملل بر اساس دیدگاه‌های رئالیستی در مواجهه با معضلات ناشی از فضای آنارشیک بین‌المللی، دو رفتار عمده را از خود بروز می‌دهند. نخست، از طریق افزایش قابلیت‌ها و توانایی‌های خود و با ارتقاء شاخص قدرت به صورت فردی و یا گروهی (از طریق اتحاد یا ائتلاف با دیگر کشورها) اقدام به موازنه می‌کنند. دوم، با پیوستن به منشأ تهدید اصطلاحاً دنباله‌روی<sup>۱</sup> می‌کنند. روش نخست معمولاً توسط کشورهای به کار گرفته می‌شود که از شاخص‌های سخت‌افزاری قابل توجهی در قدرت برخوردار باشند. روش دوم نیز از سوی کشورهای ضعیف‌تر اتخاذ می‌شود که معمولاً در اتصال با قدرت‌های بزرگ به دست می‌آید. باین حال بعضاً تلاقی منافع قدرت‌های بزرگ و شرایط پیچیده منطقه‌ای موازنه‌ای در دنباله‌روی را نیز ایجاب می‌کند. (Taliferro, 2001: 129)

از این منظر سیاست قدرت‌های بزرگ برای برخی دولت‌ها نظیر قرقیزستان اهمیت مضاعفی می‌یابد. طی سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دولت قرقیزستان در دوره‌های مختلف سطوح مختلفی از موازنه روابط خود با قدرت‌های بزرگ را تجربه کرده است. در دوره آقایی با گرایش به سمت غرب و بازگشت به سمت روسیه و در دوره باقی‌اف نیز تمایل نامتوازن و ناپایدار روسیه و غرب را شاهد بوده است. باین حال با پایان دوره‌های

<sup>۱</sup>. Bandwagoning

نسبتاً بی‌ثبات، شاهد تغییراتی هم در سطح استراتژی سیاست خارجی قرقیزستان و هم در تغییر شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی که متقابلاً یکدیگر را قوام بخشیده‌اند. در این راستا قرقیزستان برای رفع نگرانی‌های امنیتی و به فعلیت رساندن ظرفیت‌های خود پیگیر دکترین امنیت حلقوی و یافتن متحدان خارج از جمع همسایگان بلافصل خود است. (باقری مقدم، ۱۳۹۴: ۱۲۰).

همان‌طور که پیش‌ازاین بیان گردید منطقه آسیای میانه زمین‌بازی بزرگ جدید قدرت‌های بین‌المللی است. به‌خصوص پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ منطقه آسیای میانه نقش مهمی را در معادلات اوراسیا ایفا می‌کند. چراکه قرار گرفتن در میان سه کشور چین، هند و روسیه می‌تواند پویایی خاصی به مناسبات سیاسی، امنیتی و اقتصادی ببخشد و از سوی دیگر این منطقه عرصه منافع سیاسی و راهبردی کشورهای اروپای غربی، ایالات متحده نیز قرار دارد (Roy Alison and Lena Jonson, 2001:230). براساس واقعیت‌های موجود سه کنشگر اصلی بین‌المللی در تحولات آسیای میانه ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین می‌باشند که سیاست‌های آن‌ها به‌صورت مستقیم بر حضور ایران در این منطقه و ازجمله قرقیزستان تأثیر می‌گذارد. در ادامه به اختصار به رویکرد هرکدام از این کنشگران پرداخته می‌شود. در خصوص سیاست‌های آمریکا نسبت به آسیای میانه، برخی از صاحب‌نظران معتقدند که سیاست آمریکا تا سال ۱۹۹۳، حفاظت از نفوذ روسیه برای مقابله با بنیادگرایی اسلامی - ایرانی بود. از سال ۱۹۹۴ به بعد سیاست آمریکا بر کنترل هم‌زمان روسیه و ایران استوار شد و در دوره سوم که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، آسیای میانه عملاً به عرصه دخالت بیشتر و حضور مستقیم آمریکا مبدل گردید. (نقیب زاده، ۱۳۸۱: ۸۴)

برخی نیز معتقدند که اهداف آمریکا در منطقه آسیای میانه بیشتر به انرژی «معطوف است. عده‌ای دیگر نیز توسعه و بسط مفهوم «آسیای میانه بزرگ» که حول محور جنوب و مرکز آسیا به‌عنوان یک منطقه‌ای واحد می‌چرخد را به‌عنوان هدف درازمدت آمریکا در این منطقه مطرح می‌کنند. به‌هرحال فارغ از اهداف فوق، باید توجه داشت که آمریکا سعی کرده همواره نقش خود را به‌عنوان یک بازیگر مهم در منطقه حفظ کند. این امر چه از طریق نفوذ نظامی و چه از طریق اشاعه‌ی دموکراسی غربی دنبال شده است (Anand, 2006:165)

باین‌وجود روابط خاص حاکم بر مناسبات دوجانبه‌ی ایران و ایالات متحده آمریکا، به سطح نظام بین‌الملل تعمیم‌یافته و حتی حوزه نفوذ ایران در مناطق پیرامونی نظیر آسیای میانه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. از این حیث هر چه تلاش آمریکا برای برتری‌طلبی در

مناطق پیرامونی ایران بیشتر شود، تضادهای سیاسی و استراتژیک میان ایران و آمریکا نیز افزایش خواهد یافت؛ زیرا از یکسو آمریکا تلاش می‌کند نقش و نفوذ ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را کاهش دهد و ایران را بیش از گذشته منزوی سازد؛ و از سوی دیگر ایران نیز تلاش خود را جهت ناتوان کردن آمریکا در طرح و اجرای مقاصد سلطه‌طلبانه آن به کار خواهد گرفت. با توجه به این شرایط ایالات متحده در منطقه آسیای میانه سعی کرده با اتخاذ سیاست مهار از طریق فشار به کشورهای آسیای میانه برای محدود کردن روابط با ایران، عملاً جمهوری اسلامی را از دستیابی به منافع اقتصادی و حضور فرهنگی بازدارد. به‌طوری‌که یکی از اهداف ایالات متحده در حضور در آسیای میانه تکمیل محاصره و مهار ایران از دو سوی شمال و شرق و ایجاد پیش‌زمینه سیطره بر ایران عنوان شده است. (J Blank, 2007:2)

از این رو با توجه به این نکته که حضور نیروهای مسلح آمریکا و ناتو در منطقه باعث نگرانی شدید ایران است، یکی از مسائلی که به عنوان عامل محدودیت مناسبات سیاسی ایران و قرقیزستان در قبل شناخته می‌شد؛ پایگاه هوایی آمریکا در قرقیزستان (ماناس) بود. چنانکه وجود این پایگاه موجب به وجود آمدن بحران‌های کوتاه‌مدتی نیز در روابط دوجانبه دو کشور شد. به‌عنوان نمونه هنگامی که در ماه می ۲۰۰۶، در میان تهدیدهای امریکا در مورد آغاز عملیات نظامی علیه ایران، خبرهایی از احتمال استفاده از پایگاه هوایی آمریکایی واقع در فرودگاه بیشکک «ماناس» برای بمباران هوایی ایران به گوش رسید، با واکنش‌های تند مقامات ایرانی مواجه شد. بدین ترتیب درحالی‌که ایران اعلام کرده بود به نقاطی که از آن موشک‌های هوایی به طرف ایران پرتاب شود، ضربه خواهد زد، مقامات قرقیزستان بلافاصله از غیرممکن بودن استفاده از پایگاه هوایی «ماناس» علیه ایران سخن گفتند.

بنابراین در میان مهم‌ترین کنشگران بین‌المللی در آسیای میانه از جمله قرقیزستان می‌توان از نقش آفرینی ایالات متحده آمریکا در مهار نفوذ ایران نام برد. در واقع به نظر می‌رسد؛ همان‌گونه که سفارت امریکا در جریان انقلاب مخملی قرقیزستان 2005 نقش مهمی ایفا نمود، می‌تواند نقش مهار ایران در این کشور را نیز ایفا نماید تا از هرگونه پویایی و توسعه کمی و کیفی روابط دو کشور جلوگیری نماید. این شرایط را می‌توان در دوران سیاست فشار حداکثری ایالات متحده بعد از خروج دولت ترامپ از برجام<sup>۱</sup> کاملاً مشاهده کرد. به نحوی که بر اساس گزارش‌ها در این دوران مقامات آمریکایی دولت قرقیزستان را در صورت توسعه همکاری‌ها با ایران تهدید مستقیم نموده بودند. کاهش حجم روابط اقتصادی دو

<sup>۱</sup>. Joint Comprehensive Plan of Action



کشور در سال ۱۳۹۹ (طبق جدول شماره یک) در اوج سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران نشان می‌دهد که تا چه حد روابط دو کشور متأثر از متغیرهای بین‌المللی است. از سوی دیگر رویکرد روسیه به‌عنوان کنشگر مهم دیگر در قبال منطقه آسیای میانه از جمله قرقیزستان به‌عنوان «خارج نزدیک»، عمدتاً تابع ملاحظات امنیتی و استراتژیک باشد. بدیهی است که روسیه خواهان هیچ‌گونه تحول تنش‌زا نیست. روس‌ها معتقدند هرگونه روش عجولانه برای استقرار و پیشبرد دموکراسی ممکن است موجب انفجار اجتماعی و فروپاشی رژیم‌های لائیک و روی کار آمدن اسلام‌گرایان تندرو و بنیادگرایان شود؛ بنابراین ممانعت از شیوع «وهابیت» در تمامی مناطق آسیای میانه، از وجوه مشترک سیاست خارجی ایران و روسیه محسوب می‌شود. (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۴)

علاوه بر این، حضور و نفوذ کشورهای دیگر از جمله ایالات متحده به‌عنوان یک بازیگر مداخله‌گر در حیات خلوت روس‌ها نیز می‌تواند خطر دیگری برای مسکو محسوب گردد. امکانات بالقوه اقتصادی و منابع سرشار زیرزمینی به همراه جایگاه راهبردی و شرایط جغرافیایی به دلیل واقع شدن در مسیر ارتباطی غرب به شرق و مجاورت با چین، ایران و روسیه و این منطقه را بیش‌ازپیش مورد توجه قدرت‌های اقتصادی و سیاسی قرار داده است. بر این اساس دومین وجه مشترک سیاست خارجی ایران و روسیه در منطقه به حضور و نفوذ بیش‌ازحد بازیگران فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده آمریکا مرتبط می‌شود.

به‌هرروی علی‌رغم وجود مشترکات فوق، مهم‌ترین عاملی که سیاست خارجی ایران را از حضور روسیه در منطقه با چالش مواجه می‌سازد، تمایل روسیه به حفظ نفوذ سنتی خود در منطقه است. به‌خصوص با توجه به بدبینی‌هایی که در مردم کشورهای آسیای میانه نسبت به سیاست‌های روسیه نیز به وجود آمده است. مسکو بیش‌ازپیش نگران حضور و نفوذ ایران در منطقه است. با وجود این، در قرقیزستان منافع ایران و روسیه در تضاد آشکار قرار ندارد و بارقه‌هایی از همسویی و هم‌افزایی علی‌رغم برخی رقابت‌ها وجود دارد.

این شرایط در مورد کنشگری چین در قرقیزستان نیز می‌تواند صادق باشد. به عبارت دیگر تناسب منافع ایران و چین نیز شبیه به این است. چین نیز از طریق پیمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای همچون پیمان همکاری شانگهای و بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیایی با همکاری روسیه فعالیت آمریکا را با چالش مواجه کرده است. از آنجایی که آمریکا تمام سعی خود را در انزوای ایران در منطقه به کار می‌برد و ترانزیت نفت، گاز و کالا از ایران به بهانه خطر اسلامی بودن ایران به خارج از قلمرو ایران هدایت کرده است؛ اما حضور قدرتمند چین

به خصوص در قرقیزستان، فضا را برای بازیگری آمریکا در منطقه تنگ تر کرده است. بخصوص آنکه در قالب پیمان همکاری شانگهای روسیه و چین با تأکید بر تأمین امنیت منطقه توسط کشورهای منطقه باعث تعطیل کردن پایگاه‌های نظامی آمریکا در ازبکستان و قرقیزستان شدند و عملاً حوزه مانور نیروهای آمریکا را در منطقه کوچک نمودند.

(Huasheng, 2005: 50)

با این حال توسعه نفوذ اقتصادی چین در قرقیزستان می‌تواند به معنای از دست رفتن جایگاه اقتصادی ایران در این کشور تلقی گردد. به عبارت دیگر تفوق کالاهای چینی بر بازارهای قرقیزستان به سادگی بازار کالاهای ایرانی از دست خواهد رفت. اگرچه این شدت از نفوذ اقتصادی و سیاسی چین با موجی از واکنش‌ها در این کشور در سال‌های اخیر روبرو گردیده است. به نحوی که در حال حاضر یکی از چالش‌های روابط چین با قرقیزستان افزایش چین‌هراسی<sup>۱</sup> در میان افکار عمومی در قرقیزستان است که حتی باعث شکل‌گیری تجمعات گسترده در برخی نقاط قرقیزستان علیه چین گردیده است. (Shailoobek Kyzy, 2021: 65)

با وجود کشمکش‌ها میان کنشگران بین‌المللی در قرقیزستان می‌توان گسترش همکاری‌های بین‌المللی دو کشور ایران و قرقیزستان در حوزه‌های سازمان‌های بین‌المللی همچون همکاری‌های حقوق بشری و حمایت متقابل در سازمان‌های بین‌المللی را به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم برای توسعه روابط علی‌رغم چالش‌های بین‌المللی مورد توجه جدی قرارداد.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش گردید در پاسخ به این سؤال که علل ایستایی و پایداری روابط ایران و قرقیزستان پس از سی سال را چگونه می‌توان ارزیابی نمود؛ به موانع ساختاری و غیر ساختاری ایستایی و پایداری روابط در ابعاد مختلف با جمهوری قرقیزستان در سه سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته شود. همچنین فرضیه عدم اولویت و تفاوت انگاره‌ها در سطح دوجانبه، سیاست خارجی محتاطانه قرقیزستان در قبال تعامل با ایران و حضور قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و متغیرهای بین‌المللی در بوته آزمایش قرار گرفت.

براساس گزاره‌های یافت شده مشخص گردید که ایران در بعد دوجانبه از یکسو پیوندها و اشتراکات عمیق تاریخی و فرهنگی با قرقیزستان دارد و از سوی دیگر موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران به نحوی است که عملاً طرفین را بیش‌ازپیش به یکدیگر نزدیک می‌نماید.

<sup>۱</sup>. Sinophobia

با این حال روابط دو کشور از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا به امروز در سطح معینی باقی مانده است؛ به نحوی که در برخی موارد رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر روسیه، چین، آمریکا، ترکیه، اتحادیه اروپا، عربستان سعودی رژیم صهیونیستی موفق به پر کردن خلأهای فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و نظامی این کشور شده‌اند.

در این چارچوب علاوه بر عدم اولویت قرقیزستان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دو کشور در روابط دوجانبه دارای تفاوت‌های انکارناپذیری از کسب وجهه تا دریافت کمک‌های بلاعوض توسعه‌ای می‌باشند که ایستایی روابط را پایدار کرده است. اگرچه قرقیزستان نیز به دلیل محدودیت‌های داخلی امکان گسترش روابط دوجانبه فارغ از سایر مؤلفه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ندارد و سیاست محتاطانه‌ای در قبال توسعه روابط با ایران اتخاذ می‌کند.

سیاست خارجی قرقیزستان به دلیل ضعف داخلی در بعد همکاری منطقه‌ای نیز متأثر از عوامل خارجی و منافع اقتصادی است. از این جهت کشورهایی که با اهرم‌هایی به‌ویژه اقتصادی در این کشورها حضور و نفوذ یافته‌اند، قدرت تأثیرگذاری بیشتری روی جهات و رویکردهای سیاست خارجی آن‌ها دارند. اگرچه کنشگران میانه و قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران، یک گزینه بسیار مهم برای تنوع‌بخشی به سیاست خارجی دولت‌های کوچک همچون قرقیزستان در تسهیل تنظیم مناسبات این کشور با سایر قدرت‌ها است. با این حال حضور موفق در قرقیزستان نیازمند یک «دیپلماسی نظام‌مند» و همه‌جانبه منطقه‌ای با شناخت از فرصت‌ها و رقبای منطقه‌ای است.

جوهره این سیاست حفظ روابط، باز نگه داشتن درها برای توسعه مناسبات، برقراری یک نظام گفتگوی مبتنی بر درک متقابل و مدیریت روابط سودمند استوار بر قاعده برد - برد است. در واقع حضور و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه، عربستان سعودی، قطر و حتی رژیم صهیونیستی می‌تواند نفوذ منطقه‌ای ایران از جمله در قرقیزستان را کاهش دهد.

در میان مهم‌ترین کنشگران بین‌المللی در قرقیزستان می‌توان از نقش‌آفرینی ایالات متحده آمریکا در مهار نفوذ ایران نام برد. در سطح بین‌المللی با توجه به روابط خاص ایران با ایالات متحده هرگونه حضور و نفوذ ایران در قرقیزستان با واکنش آمریکا در ابعاد گوناگون مواجه می‌شود که منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی ایران را در این کشور به مخاطره می‌اندازد.

روسیه به‌عنوان کنشگر بین‌المللی دیگر با ایران مشترکاتی همچون مقابله با افراط‌گرایی، مقابله بانفوذ غرب و ایالات متحده در قرقیزستان دارد اما تمایل روسیه به حفظ نفوذ سنتی خود در منطقه نوعی از نگرانی از حضور و نفوذ ایران در قرقیزستان را به وجود می‌آورد.

باین وجود منافع ایران و روسیه در قرقیزستان در تضاد آشکار قرار ندارد و بارقه‌هایی از همسویی و هم‌افزایی علی‌رغم برخی رقابت‌ها وجود دارد. این شرایط در مورد کنشگری چین در قرقیزستان نیز می‌تواند صادق باشد.

به هر حال منطقه آسیای میانه به نوعی عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف محسوب می‌گردد. لذا شرایط جدید بین‌المللی بازتعریفی نسبت به روابط با کشورهای این منطقه طلب می‌کند و لازم است مورد توجه جدی قرار گیرد. در این راستا با توجه به حضور قرقیزستان در اکثر ترتیبات منطقه‌ای و فضای نسبتاً باز سیاسی توجه به این کشور باید مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

بدین ترتیب هنوز نمی‌توان مدعی یک رابطه باثبات، پایدار و رشد‌یابنده فی‌مابین بود. چراکه نگاه ایران به این کشور فاقد وفاق جمعی و ملی است. باین وجود با توجه به مناسبات فعلی، ظرفیت‌های فراوان، منابع و اهداف مشترک و سطح بالای روابط سیاسی به نظر می‌رسد که ایران و قرقیزستان می‌توانند با مدیریت موانع در سطوح مختلف روابط خود را روزبه‌روز گسترش دهند و از شرایط ایستایی فعلی خارج گردند.

بنابراین جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط فعلی منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند در برابر هر یک از کشورهای منطقه آسیای میانه راهبردی جداگانه ترسیم نماید. در واقع از یکسو به سبب شباهت‌های کلی کشورهای منطقه، یک راهبرد کلی مانند طرح گفت‌وگوهای C5+1 تدوین شود و از سوی دیگر به دلیل تفاوت‌ها و تمایزات هر کشور با کشورهای دیگر، یک راهبرد خاص برای هر کشور از جمله قرقیزستان تدوین گردد. البته باید اذعان داشت حضور موفق و ایفای نقش تأثیرگذار در قرقیزستان سهل و آسان نخواهد بود. چراکه تحرکات ایران زیر ذره‌بین قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است.

## منابع و مأخذ

### فارسی

- باقری مقدم، غلامرضا (۱۳۹۴)، آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی، مطالعات موردی: قرقیزستان، نشر وزارت امور خارجه.
- بهمن، شعیب، ایران و آسیای میانه دستاوردهای یک سفره موسسه مطالعات روسیه، آسیای میانه و قفقاز ایراس (Www.Iras.ir).
- روزنامه همشهری (۱۳۸۵)، گفت‌وگوی سفیر قرقیزستان «زبان فارسی را به دانشگاه‌ها و میان مردم قرقیزستان می‌برم»، شماره ۳۹۵۵.

سازمان توسعه تجارت ایران (۱۳۹۹)، اجلاس‌های دوجانبه ایران با قرقیزستان، قابل دسترسی (<https://tpo.ir/uploads/1/2020/Oct/26.pdf>).

سجادپور، سید محمد کاظم، (۱۳۸۶)، چارچوب مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.  
سرعلی، رضا و پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۵)، «همسایگی و همسایه بودن»، فصلنامه صفا، دوره ۲۶، شماره ۷۲. سفارت جمهوری اسلامی ایران - بیسکک، (۱۳۸۳)، ده سال روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قرقیزستان.

طاهایی سید جواد، موسوی نیا سید رضا، (۱۳۹۲)، «همسایگی؛ نظریه‌ای برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» پژوهش‌های سیاست اسلامی، دوره ۱، شماره ۴؛ از صفحه ۱۶۵ تا صفحه ۱۹۲.  
عباسی خوشکار، امیر (۱۴۰۰)، «راهبرد سیاست همسایگی و نظم سازی ژئواکونومیکی چندجانبه؛ جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا»، سازمان‌های بین‌المللی - شماره ۱۵، از ۱۹۸ تا ۲۱۶.  
کتاب سبز قرقیزستان (۱۳۸۷)، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.  
کولایی، الهه، (۱۳۸۴)، «ایران و روسیه، فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌ها»، کتاب امنیت بین‌الملل (۲)، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.

کولایی، الهه (۱۳۸۴)، «زمینه‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای میانه»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲۰۱-۲۲۴.

ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، (۱۴۰۰) شماره ۴۲۴، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه، <https://www.ipis.ir/portal/subjectview/669335>

مرجانی نژاد، احمد، (۱۳۹۰)، «قدرت نرم ترکیه در آسیای میانه»، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه، شماره ۴.  
منطقه خزر در مرحله معاصر (۱۳۸۴)، مسائل، گرایش‌ها و دورنما (مجموعه مقالات به زبان روسی)، آلمانی: انتشارات انستیتو مطالعات راهبردی کشورهای آسیای میانه و قفقاز.

نصرالدین‌اف، امیل، (۲۰۱۴)، «امنیت دینی در قرقیزستان»، خبرگزاری ایکنا، قابل دسترسی: <https://iqna.ir/fa/news/3366141/>

نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۱)، «نقش قدرت‌های منطقه‌ای و برون منطقه‌ای در حوزه خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای میانه و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، شماره ۳۷.  
خبرگزاری فارس، امضا ۵۶ توافق نامه و ۴۸ یادداشت تفاهم بین ایران و قرقیزستان طی ۲۸ سال روابط اخیر، ۱۳۹۸؛ قابل دسترسی: <https://www.farsnews.ir/news/13980725000740/>

## لاتین

Alice Rasizad, (November 2002) The Spector of a New Great Game in Central Asia, Foreign Service Journal, p.48

Barry Tom and Other (2005), A Global Good Nighbor Ethic or International Relation, Freign Policy in Focus May.

Dandashly, Assem (2016) "The EU Quest for a Security Comouthern Neighbours: EU-Tunisia Relations". In: Pernille Rieker (ed) External Governance as Security Community

- Building; The Limits and European Neighbourhood Policy, London: Palgrave Macmillan, pp. 135-162.
- Embassy of the Kyrgyz Republic to the Republic of Turkey, (2021) Trade and Economic Cooperation, <https://mfa.gov.kg/en/dm/Embassy-of-the-Kyrgyz-Republic-to-the-Republic-of-Turkey>
- European Commission (2011) A new Response to a Changing Neighbourhood: A Review of European Neighbourhood, Joint Communicaion by The High Represntative of the union for for foreign Affairs and Security Policy and the European Commission, Brussels
- Garbuzarova, Elena G, Iran's Soft Power Tools in Kyrgyzstan, Vol 22, No 1 (2020), P: 22-31: URL: <https://journals.rudn.ru/political-science/article/view/23274>
- Jeffrey W. Taliaferro (2001), Security Seeking under Anarchy, International Security, Vol. 25, No. 3
- Khatlan, Saleh (1999). Saudi Arabia's relations with Central Asian countries and the Caucasus. Journal of Central Asian and Caucasian Studies, (25), pp. 41-56. (in Persian)
- Maja Zehfuss, (2002), Constructivism in International, Relations: The Politics of Reality, Cambridge: Cambridge University Press, 2002.
- Roy Alison and Lena Jonson, (2001) Central Asian Security: The NewInternational Contex, London: The Royal Institute of Internatioal Affairs, p219-246
- Shailoobek Kyzy, Aizat. (2021) " Discussing Sinophobia in Kyrgyzstan", Central Asian Affairs, p58-82
- Taliaferro, Jeffery W (2001) "Security Seeking under Anarchy Defensive Realism Revisited" international Security, Vol. 11, No.9.
- Vinod K. Anand, (2006) Politico-military Developments in Central Asia and Emerging Strategie Equations, p.165Stephen J Blank, U.S Inerests In Centrral Asia The Challenges To Them, Strategic Institute, March 2007, p2
- Zhao Huasheng, (2005) China, Central Asia and the Shanghai Cooperation Organization Mskovsky Tsentr Karnegi, Rabochie materialy, No.5, p50
- Вартанян А.М. Новые аспекты регионах Центральной Азии и Закавказья. Институт Ближнего Востока по URL: [http://www.times.ru/rus/frame\\_stat.html](http://www.times.ru/rus/frame_stat.html)
- Европейский Союз – Кыргызская Республика: партнерство, сотрудничество, развитие. URL: [https://eeas.europa.eu/sites/eeas/files/eu-kg\\_cooperation\\_brochure\\_ru.pdf](https://eeas.europa.eu/sites/eeas/files/eu-kg_cooperation_brochure_ru.pdf) (дата обращения 01.06.2019)
- Концепция внешней политики КР, 2019, Сайт: [http://mfa.kg/acts/konceptsiya-vneshnei-politiki-kr\\_kg.html](http://mfa.kg/acts/konceptsiya-vneshnei-politiki-kr_kg.html)
- КОНЦЕПЦИЯ внешней политики Кыргызской Республики (к Указу Президента КР от 11 марта 2019 года УП N 37)
- непростых лет независимости Кыргызстана, 2021, <https://rus.azattyk.org/a/tridtsatneprostyh-let-nezavisimosti-kyrgyzstana/31436765.html>
- Правительство Кыргызской Республики, 720003, Кыргызская Республика, г. Бишкек, ул. Абдумомунова, 207, Сайт: [https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/26371VNR\\_2020\\_Kyrgyzstan\\_Report\\_Russian.pdf](https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/26371VNR_2020_Kyrgyzstan_Report_Russian.pdf)